

شناسایی عوامل موثر بر خشونت خانگی علیه مردان

منیژه سلیمی^۱، محمدعلی چیت‌ساز^۲

چکیده

امروزه تقریباً این اعتقاد رایج گشته است که خشونت خانگی صرف محدود به آسیب و صدمه فیزیکی اعضای خانواده علیه یکدیگر نمی‌باشد، بلکه می‌تواند رفتارهایی نظیر تهدید، تحقیر، تمسخر و فحاشی علیه مردان را نیز شامل شود. بر این اساس هدف از پژوهش حاضر، شناسایی عوامل موثر بر خشونت خانگی علیه مردان می‌باشد. پژوهش حاضر از لحاظ هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی و از نظر نوع روش پژوهش اکتشافی محسوب می‌گردد. جامعه آماری پژوهش حاضر در بخش دلفی، صاحب‌نظران و کارشناسان حوزه خانواده می‌باشد که با استفاده از روش نمونه‌گیری غیر تصادفی هدفمند تعداد ۲۵ نفر انتخاب شدند. همچنین جامعه آماری در مرحله مصاحبه، شامل کلیه مردانی است که در سال ۹۹ برای مشاوره به مراکز مشاوره خانواده زنجان مراجعه می‌کردند که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۲۵ نفر انتخاب شدند. در ابتدا با استفاده از تحلیل تم ۵۹ کد باز در ذیل ۷ کد محوری جای گرفتند. در ادامه با استفاده از تکنیک دلفی فازی ۲۰ شاخص نهایی شدند. کدهای محوری شامل عدم رعایت حقوق زنان، مدیریت ضعیف مرد در خانواده، مشکلات تربیتی قبل از ازدواج، مشکلات جسمی و روحی، مشکلات رفتاری زوجین، مشکلات روانی مردان و مشکلات معیشتی بوده و علی‌رغم اینکه در راند اول دلفی تمامی موارد امتیاز بیشتر از ۷ کسب کردند، اما در این مرحله برخی از مفاهیم بر اساس نظر خبرگان با هم ادغام شدند و عنوان جدیدی به خود اختصاص دادند. در راند دوم بر اساس نتایج مشخص شده که تمام شاخص‌ها امتیازی بیشتر از ۷ کسب کردند. بر اساس نتایج تحقیق حاضر می‌توان گفت: بخش مهمی از خشونت علیه مردان، نتیجه عدم رعایت حقوق زنان در خانواده و اجتماع است. بر این اساس با رعایت حقوق زنان، می‌توان به کاهش خشونت علیه مردان امیدوار شد.

واژگان کلیدی: خشونت خانگی علیه مردان، حقوق زنان، تکنیک دلفی فازی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۶

مقدمه

^۱ . دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد دهاقان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

^۲ . استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد دهاقان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)

mad3175@yahoo.com

خشونت خانگی یا خشونت در میان افراد خانواده، سابقه‌ای طولانی در تاریخ بشر داشته و مکرراً در متن مذهبی و تاریخی به نمونه‌های آن اشاره شده است. (ادلسون^۱، ۱۹۹۹). مطالعه انجام شده توسط سازمان بهداشت جهانی بر روی سلامت و خشونت خانگی علیه زنان که اطلاعات خود را از مطالعه بر روی بیش از ۲۴ هزار زن در ۱۵ منطقه از ۱۰ کشور جهان جمع‌آوری کرده، نشان داده است که فراوانی خشونت جسمی، جنسی یا هر دو از طرف شریک جنسی در طول زندگی ۱۵ تا ۷۱ درصد و در بیشتر مناطق بین ۲۹ تا ۶۲ درصد بوده است (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۵).

علی‌رغم آمار بالای خشونت‌های خانگی، هنوز این نوع از خشونت در مقایسه با اشکال عمومی‌تر خشونت، مورد غفلت قرار می‌گیرد و گرچه تعریف خشونت تمام رفتارهایی که به صدمات جسمی و روانی بر روی افراد منتهی شود را شامل می‌شود، اما معمولاً فقط خشونت‌های فیزیکی در کانون توجه جرم‌شناسان، حقوقدانان و قانون‌گذاران قرار داشته است. برخی از پژوهشگران به صرف اینکه در یافته‌های پژوهشی، شایع بودن خشونت فیزیکی زنان علیه شوهران‌شان به ویژه در مقایسه با خشونت فیزیکی علیه زنان مشاهده نشده و بدون بررسی دقیق دیگر اشکال خشونت نظیر خشونت کلامی، روانی، اجتماعی، مالی، حقوقی، جنسی و ... مسئله خشونت خانگی علیه مردان را کم‌اهمیت شمرده و از آن غفلت نموده‌اند (دوباش و دوباش، ۱۹۸۰^۲) و یا برخی این دیدگاه را مطرح نموده‌اند که خشونت زنان علیه مردان را باید صرفاً خشونتی واکنشی، تدافعی و یا خشونت برای بقا تلقی نمود (صادقی، ۱۳۸۹: ۷۱) با این همه، در سال‌های اخیر توجه برخی از پژوهش‌گران و صاحب‌نظران مسائل اجتماعی به شکلی دیگر از خشونت خانگی، یعنی خشونت خانگی علیه مردان نیز جلب شده است (پوچر، جانگنیتز، پو و والتر، ۲۰۴۴^۳: ۲۰۲).

رفتارهای خشونت‌آمیز و آزاردهنده زنان در محیط خانه از یکسو می‌تواند مردان را به لحاظ فردی متأثر نماید و برای آن‌ها صدمات روحی و جسمی (حتی مرگ) در پی داشته باشد و از سوی دیگر رفتارهای خشونت‌آمیز زنان به نهاد خانواده لطمه وارد ساخته و در چنین شرایطی خانواده دستخوش آسیب‌های

^۱ . Edelson

^۲ . Dobash & Dobash

^۳ Puchert, Jungnitz, Lenz, Puhe, and Walter

جدی می‌گردد (کاستا، کاستل، واکر، کورتیس و تومبارو،^۱ ۲۰۱۵: ۲۶۱). اثرات و تبعات خشونت خانگی علیه مردان، همانند دیگر اشکال خشونت خانگی را می‌توان در ابعاد فردی و اجتماعی آن مورد توجه قرار داد. از سوی دیگر، رفتارهای خشونت‌آمیز زنان به نهاد خانواده لطمه وارد ساخته و در سایه تعاملاتی که اعضاء با یکدیگر و با افراد بیرون از کانون خانواده دارند، خشونت به جامعه پیرامونی نیز تسری پیدا می‌کند (خیرخواه‌زاده، ۱۳۹۰: ۸-۶).

نکته حائز اهمیت در مطالعه و پژوهش بر روی خشونت خانگی علیه مردان را می‌توان زمینه ساز این تحول دانست که، مباحث مربوط به خشونت‌های خانگی که در سال‌های گذشته عمدتاً حول خشونت علیه زنان و کودکان انجام گرفته و بعضاً بصورت تکراری نیز در آمده را به موضوعات و مفاهیم جدیدتر هدایت نماید. همچنین این امر باعث جلوگیری از انتقال الگوهای نادرست به نسل آینده و صیانت از شان و منزلت جایگاه مرد در خانواده به عنوان سرپرست خانواده را در بر خواهد داشت. بر این اساس هدف از این پژوهش شناسایی عوامل موثر بر خشونت خانگی علیه مردان می‌باشد.

هرچند مفهوم خشونت خانگی دربرگیرنده خشونت در میان افراد خانواده است اما به طور معمول به «خشونت میان بزرگسالانی که شریک جنسی و یا عاطفی یکدیگر هستند» گفته می‌شود. (فانتوزو و وندا،^۲ ۱۹۹۹) خشونت خانگی با خانوادگی با عناوین همسرآزاری، زن‌آزاری، شریک‌آزاری، خشونت زناشویی و سایر عبارات مشابه نیز توصیف می‌گردد و ممکن است این عبارات به جای هر مورد استفاده قرار گیرند. در این پژوهش تلاش بر این است که به بررسی خشونت‌های زنان علیه مردان در زندگی زناشویی پردازیم.

آکادمی ملی علوم آمریکا، خشونت را اینگونه تعریف می‌کند: «رفتاری که توسط فردی به قصد تهدید یا آزار بدنی دیگران بروز می‌کند». خشونت استفاده غیرقانونی یا غیرمجاز از قدرت است که معمولاً با شدت، نفرت و خشم همراه است. خشونت علیه مردان به طور مجزا تعریف نشده است. جلسه مشورتی سازمان بهداشتی جهانی (WHO) تعریف کاربردی خشونت را استفاده عمدی از نیروی بدنی، ارعاب یا تهدید می‌داند که به آسیب بدنی، مرگ، آسیب روانی، نقص رشد و تکامل یا محرومیت و یا احتمال زیاد وقوع این موارد بینجامد. اعمال هرگونه بدرفتاری و آزار از سوی شریک زندگی (زن) را شوهر

¹ Costa, Kaestle, Walker, Curtis, Day, Toumbourou

² . Fantozo and Venda

آزاری می‌گویند. این نوع آزار به بدرفتاری عاطفی، جسمانی، جنسی و اقتصادی تقسیم می‌شود. (قهاری و بوالهروی، ۱۳۸۷: ۱۱)

فضای خانواده و محیط خانواده یکی از بسترهای خشونت است. خشم با شوهر، هرگونه بدرفتاری با وی، شامل آسیب‌رسانی روانی مانند تهدید و ترساندن، تحقیر و انتقاد، خشونت بدنی مانند سیلی زدن و هل دادن تا استفاده از سلاح و قتل است. منزوی کردن و محروم کردن نیز گونه‌ای آزاررسانی است که گاه با رفتارهای به ظاهر غیرخشن صورت می‌گیرد (اعزازی، ۱۳۸۰: ۶۴). شدیدترین نوع خشونت زنان علیه مردان در خانواده، همسرکشی است. اخباری که تحت عنوان همسرکشی در جراید منتشر می‌شود تنها به کشته شدن زن یا مردی به دست همسرش خلاصه نمی‌شود، بلکه ماجرای غم‌انگیزی از نفرت، تحقیر، دشمنی، ترس و ناامنی، ضرب و جرح و انواع دیگری از خشونت در پس آن نهان است.

بنابراین قبل از کشته شدن، افراد خانواده با انواع مختلفی از آزار و استرس‌های روحی و روانی دست به گریبان هستند. به همین خاطر همسرکشی، خانواده را به ورطه نابودی کشانده و زندگی فرزندان آن خانواده و اطرافیان را تا سالیان متمادی تحت تاثیر قرار می‌دهد. به گفته معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی کشور، در سال ۸۸، میزان همسرکشی توسط مردان ۱۶ درصد و رتبه اول قتل‌های خانوادگی بوده و نسبت به سال‌های پیش، روند تقریباً ثابتی داشته است. سهم شوهرکشی نیز ۵۶ درصد بوده که نسبت به سال‌های قبل دو برابر شده است. براساس این آمار، همسرکشی توسط مردان در رتبه اول قتل‌های خانوادگی قرار داشته و شوهرکشی نیز سیر صعودی داشته است. با توجه به روند افزایش آمار همسرکشی توسط زنان، می‌توان پدیده همسرکشی را به عنوان یک مسئله جدی قلمداد کرد. زیرا تبعات فردی و اجتماعی زیانباری به دنبال داشته و شرایطی را در اجتماع رقم می‌زند که بحران‌زا و مشکل‌آفرین است. همسرکشی در سطح مرز، بنیان خانواده را دچار تزلزل کرده و کارکردهای آن را تضعیف می‌کند و همچنین سلامت روحی و روانی افراد را با خطر مواجه می‌سازد و سرنوشت ناخوشایندی برای فرزندان در پی خواهد داشت. خشونت زنان علیه مردان، شامل خشونت جسمانی (مانند سیلی زدن، ضربه زدن، لگد زدن، گاز گرفتن، ضرب و شتم، استفاده با تهدید به استفاده از اسلحه)، خشونت روانی (مانند ارباب، کم ارزش نمودن با تحقیر و تهدید) خشونت جنسی، یا رفتارهای

کنترل کننده دیگر (مانند جدا کردن فرد از خانواده یا دوستان، نظارت بر رفتارهای فرد و ...) می‌شود. (زندگی، ۱۳۹۵: ۳۱).

خشونت جسمی: مردها اغلب تمایلی به گزارش خشونت فیزیکی علیه خود را ندارند. چون نگران‌اند که حرف آن‌ها را قبول نکنند. بسیاری از مردم باور می‌کنند که زنی مورد خشونت همسر خود قرار بگیرد، ولی باور نمی‌کنند که مردی مورد خشونت همسر خود قرار بگیرد و اینکه بسیاری از مردان شرمسار می‌شوند از اینکه بگویند مورد خشونت همسر خود قرار گرفته‌اند. (آشوری و معظمی، ۱۳۸۱). نتایج یک پژوهش در سال ۱۹۸۸ توسط یک تیم دیرینه‌شناس در ویرجینیا نشان داد که در زنان ۳۰ تا ۵۰ درصد و در مردان ۹ تا ۲۰ درصد بروز شکستگی اعضای بدن وجود دارد. یعنی اینکه زنان هم می‌توانند علیه شوهران خود خشونت جسمی داشته باشند. فقط میزان آن کمتر از خشونت مردان است. به ایراد ضرب و جرح و انواع آن چون ایراد صدمه بدنی، شکستن اعضاء، سوزاندن اعضای بدن، هل دادن، سیلی زدن و ... می‌توان اشاره کرد. شایع‌ترین شکل آزار جسمی استفاده از مشت و لگد بوده است و در برخی موارد از آلات ضرب و جرح نیز استفاده شده است. (آقابیکولی و آقاخانی، ۱۳۸۶).

خشونت جنسی: خشونت جنسی زنان به مردان از حد خرد یعنی کم محلی، سکوت و مضایقه از همسر یا به دلیل تنبیه یا خجالت و رودربایستی گرفته و حد میانه یعنی عدم رعایت بهداشت و پاکیزگی بدن و اندام‌های جنسی چه به طور عمد و چه از روی بی‌تفاوتی و اهمیت ندادن به صحبت‌ها و خواسته‌های موردنظر همسر، عدم رعایت نکات موردنظر شوهر هنگام زناشویی و معاشقه و در حد کلان از نوع ارضاء جنسی بیرون از حریم خانه. این نوع خشونت‌ها که علیه مردان گفته شد هیچ کدام جرم انگاری نشده است، به جز ارضاء جنسی بیرون از حریم خانه. (خیانت زناشویی). خشونت جنسی با تحت فشار قرار دادن برای رابطه جنسی، رابطه جنسی با تهدید و اجبار، اشکال ناخواسته رابطه جنسی، رابطه جنسی در زمان نامناسب و رابطه جنسی یا زور و فشار مشخص می‌گردد. (مرادی و زندگی، ۱۳۸۶: ۱۳۲)

خشونت روانی (احساسی): خشونت روانی، رفتار خشونت‌آمیزی است که شرافت، آبرو و اعتماد به نفس مرد را خدشه‌دار می‌کند. این رفتار به صورت انتقاد ناروا، تحقیر، بددهنی، تمسخر، توهین، فحاشی، متلک، تهدیدهای مداوم به طلاق گرفتن، تهدیدهای مداوم به گرفتن بچه‌ها و ... خود را نشان می‌دهد. (اعزازی، ۱۳۸۰: ۶۲). خشونت‌های روانی، روح و روان مرد را آماج حمله قرار می‌دهد.

برخلاف خشونت‌های جسمی که اثر مستقیم آن آسیب‌های بدنی است، اثر مستقیم خشونت‌های روانی، ناراحتی‌های روحی و روانی است که ممکن است بعدها این گونه حالات روحی و ناملايمات، جسم مرد را مورد تهدید قرار دهد. مردی که مورد چنین خشونتی قرار می‌گیرد از نظر روحیه بسیار ضعیف شده و اعتماد به نفس وی به شدت کاهش می‌یابد. این نوع خشونت‌ها بر روابط زناشویی و دیگر روابط بزه‌دیده تاثیر می‌گذارند و ممکن است منجر به واکنش‌های انفجاری پرخاشگرانه و برانگیختگی عاطفی بیش از اندازه شود. (دژکام و سوهانیان، ۱۳۶۷: ۹۰)

خشونت اقتصادی: نوع دیگری از خشونت‌هایی که ممکن است زنان علیه مردان در خانواده داشته باشند، خشونت‌های مالی است که از معنای کلاسیک خشونت، فاصله گرفته است. بنابراین زنی که در اموال همسرش بدون اذن و اجازه او تصرف می‌کند، تصرف او غیرقانونی است. تخریب در لغت، مصدر متعدی از باب تفعیل به معنای خراب کردن، ویران کردن و تباه کردن می‌باشد (معلوف، ۱۳۷۶: ۲۹). و در اصطلاح به معنای ایراد صدمه عمدی نسبت به مال یا شیء متعلق به غیر که منتهی به نقصان یا از بین رفتن آن گردد. (ولیدی، ۱۳۷۶ به نقل از زندگی، ۱۳۹۵: ۳۶). زنی که به تخریب اموال شوهر خود می‌پردازد مرتکب جرم تخریب شده است که یک نمونه خشونت اقتصادی است.

خشونت اجتماعی: این نوع خشونت، شامل ممانعت از رشد فرهنگی، اجتماعی و آموزشی است که به صورت‌های مختلف در بین اعضای خانواده دیده می‌شود و از مصادیق بارز آن ایجاد محدودیت در برقراری روابط اجتماعی و انزوای اجتماعی، محدودیت در ادامه تحصیل و مهارت‌آموزی، مشارکت در انجمن‌های اجتماعی، ایجاد محدودیت در معاشرت‌ها و ... می‌باشد. خشونت یا سوء رفتار اجتماعی علیه مردان به معنای استفاده زنان از قدرت خود در جامعه برای کنترل مردان و سوء استفاده از آنان می‌باشد.

مباحث نظری حول مسئله خشونت خانگی علیه مردان را می‌توان با سه دسته از نظریات مرتبط دانست؛ نظریه‌های جنسیت و خانواده، نظریه‌های قدرت و خشونت و نظریه‌های انحراف و کجروی.

نظریه منابع: مطابق با نظریه منابع «ویلیام گود»، در بروز خشونت‌های خانگی، میزان بهره‌مندی اعضای خانواده از منابع قدرت نظیر درآمد و دارایی، شغل، تحصیلات، موفقیت و منزلت اجتماعی، سن، مهارت‌های ارتباطی و جذابیت جهت اعمال قدرت و نفوذ بر یکدیگر اهمیت به سزایی دارد. لذا

بهره‌مندی هر یک از اعضای خانواده از منابع یاد شده، وی را در موقعیتی قرار می‌دهد که می‌تواند بر اعضای دیگر اعمال قدرت نماید. به نظر گود، زنان به جهت وابستگی مالی که به شوهران خود دارند، در برابر رفتارهای خشونت‌آمیز آن‌ها از گزینه‌های محدودی برخوردارند و از این رو در خیلی از موارد مجبورند که به ماندن در یک رابطه توأم با خشونت، تن در دهند. البته در میان خانواده‌هایی که نابرابری کمتری در توزیع قدرت وجود دارد، از یک سوی کشمکش کمتری بروز می‌کند و از سوی دیگر، در صورت ایجاد کشمکش احتمال دستیابی به راه حل‌های غیر خشونت‌آمیز بیشتر می‌باشد. هم چنین وی معتقد است، هنگامی که هر یک از اعضای خانواده به این باور برسد که میان خدمات و پاداشی که ارائه می‌دهد و آنچه دریافت می‌کند، عدالت و تعادل برقرار نمی‌باشد و از سوی دیگر امکان برقراری تعادل و یا ترک رابطه نیز موجود نباشد، کشمکش تا رسیدن به مرحله خشونت ادامه می‌یابد. (گود، ۱۹۷۱)

نظریه فشار اجتماعی: در نظریه فشار اجتماعی تأثیر عواملی نظیر مشکلات اقتصادی، فقر، بیکاری، توزیع نامتناسب درآمدها و خدمات اجتماعی در بروز خشونت‌های خانگی مورد تأکید قرار می‌گیرد. بدین ترتیب که فشارهای ناشی از عوامل مذکور، اعضای خانواده را به کاربرد خشونت علیه یکدیگر سوق می‌دهد. چه در این شرایط کاربرد خشونت از سوی اعضای خانواده را می‌توان واکنشی نسبت به مشکلات و فشارهایی تلقی کرد که افراد را احاطه نموده است. بیشتر بودن آمار خشونت‌های خانگی در میان خانواده‌های متعلق به طبقه پایین و کم درآمد در مقایسه با خانواده‌های متعلق به طبقات متوسط و بالا، گواهی محکم بر اثبات این نظریه محسوب می‌شود (پیترسن، ۱۹۸۰) البته تأکید بر وجود خشونت در میان طبقات پایین را نباید به معنای نفی وجود خشونت‌های خانگی در میان سایر طبقات تلقی نمود؛ چراکه شدت و نوع خشونت در میان طبقات اجتماعی متفاوت می‌باشد. از طرفی طبقات متوسط و بالا در پنهان ساختن و انکار خشونت از قدرت بیشتری برخوردارند (صادقی، ۱۳۸۹).

نظریه یادگیری اجتماعی: نظریه یادگیری اجتماعی بر تأثیرات متقابل بین رفتار و محیط تمرکز داشته و به الگوهای درونی‌ای می‌پردازد که افراد را قادر می‌سازد تا خود را با محیط پیرامون تطبیق دهد. این نظریه همان طور که نوع رفتار را تعیین کننده پاسخ مثبت یا منفی محیط می‌داند، با این حال قائل به قدرت تأثیرگذاری پاسخ‌های محیطی نیز می‌باشد. البته نظریه پردازان یادگیری اجتماعی

برخلاف رفتارگرایان محض، با تأکید بر وجود قوه تعقل و تفکر و فرایندهای شناختی، بر این اعتقادند که افراد می‌توانند پیامدهای احتمالی اعمال خود را پیش‌بینی کنند و بر طبق آن رفتار خود را تغییر دهند. «آلبرت باندورا» در چهارچوب نظریه یادگیری اجتماعی بر تأثیر فراگرد یادگیری در شکل‌گیری رفتارهای خشونت‌آمیز و پرخاشگرایانه تأکید می‌ورزد. به اعتقاد وی، اگر رفتارهای خشن با مانع جدی روبرو نشوند، به خشونت بیشتر منجر می‌شوند و لذا رفتارهای خشونت‌آمیز تا هنگامی که با مانع قدرتمندی روبرو نشود، ادامه می‌یابد (باندورا، ۱۹۷۷)

«باندورا» فرایند الگوسازی پرخاشگری و خشونت را در ارتباط با سه موقعیت اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهد؛ محیط خانواده، خرده فرهنگ‌ها و الگوهای نمادین. در ارتباط با محیط خانواده، وی بر تأثیر به سزای رفتارهای والدین در الگوسازی خشونت اصرار می‌ورزد. مطابق با دیدگاه باندورا، کودکان با مشاهده رفتارهای والدین در معرض الگوهای روشن و زنده پرخاشگری و خشونت قرار می‌گیرند و آن الگوها را به عنوان روش‌های مطلوب حل اختلاف و دستیابی به اهداف فرامی‌گیرند. البته در کنار تأثیرات محیط خانواده در الگوسازی خشونت، وی برخی از خرده فرهنگ‌ها را نیز مشوق رفتارهای خشونت‌آمیز می‌داند و همچنین در ارتباط با الگوهای نمادین، به ترویج خشونت و پرخاشگری از سوی رسانه‌های جمعی نیز توجه نشان داده است. (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۴۰۹-۴۰۳)

نظریه فرهنگ: از این دیدگاه، فرهنگ میراث اجتماعی گذشته است که بر رفتار کنونی و آینده انسان تأثیر می‌گذارد. مردانی که با همسران خود بدرفتاری می‌کنند، در فرهنگی زندگی می‌کنند که در آن حاکمیت مردان بسیار بیشتر از زنان است. از ویژگی‌های دیگر این فرهنگ تأثیر پرخاشگری مردان، وجود حاکمیت مردانه و فرمانبرداری زنان است. بنابراین در جوامع پدرسالار استفاده از قدرت برای ثبات حاکمیت مردانه، دارای مشروعیت است. در برخی جوامع، زمانی که نظم اجتماعی به خطر می‌افتد، برای استقرار آن از خشونت استفاده می‌شود. این شکل از نظارت اجتماعی، یعنی اعمال خشونت برای بقای نظم اجتماعی در جامعه، هم در سطح کلان و هم در سطح خود (خانواده) صورت می‌گیرد. (اعزازی، ب، ۱۳۸۰: ۷۱)

نظریه انتقال میان نسلی: در نظریه انتقال میان نسلی که در مطابقت با نظریه یادگیری اجتماعی مطرح گشته است، پرخاشگری و اعمال خشونت از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. در نظریه مذکور،

تجربیات گذشته افراد در ارتباط با خشونت‌های خانگی تأثیر مهمی در ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز توسط آنان خواهد داشت. بدین سان، در مورد افرادی که در دوران کودکی در معرض رفتارهای خشونت‌آمیز اعضای خانواده‌هایشان قرار داشته‌اند و یا شاهد اعمال خشونت اعضای خانواده علیه یکدیگر بوده‌اند، احتمال بیشتری وجود خواهد داشت که در آینده در زندگی خانوادگی‌شان مرتکب رفتارهای خشونت‌آمیز شوند (جانستون، ۱۹۸۸؛ دوفورت؛ ستنباک؛ گامپرت، ۲۰۱۲).

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی و از نظر نوع روش پژوهش اکتشافی محسوب می‌گردد. در پژوهش حاضر با توجه به موضوع و اهداف پژوهش از روش مصاحبه نیمه ساختار یافته و تکنیک دلفی استفاده شد. جامعه آماری در بخش مصاحبه، در کلیه مردانی بود که در سال ۹۹ به مراکز مشاوره خانواده زنان مراجعه می‌کردند. در ادامه به منظور اطمینان از نهایی شدن کدهای شناسایی شده از تکنیک دلفی با نظرسنجی از خبرگان و کارشناسان حوزه خانواده نظرسنجی شد. روش نمونه‌گیری در طرح کیفی حاضر، نمونه‌گیری نظری انتخاب هدفمند اطلاع‌رسانان کلیدی بر اساس مقوله‌ها برای تدوین نظریه است. نمونه‌گیری از افراد مورد مصاحبه در این پژوهش تا زمانی ادامه پیدا کرد که فرایند اکتشاف و تجزیه و تحلیل به نقطه اشباع نظری^۲ رسید. برای نمونه‌گیری در روش دلفی از تکنیک گلوله برفی^۳ استفاده شده است. با توجه به شیوه مصاحبه در گردآوری داده‌های پژوهش در هر مرحله، یافته‌ها به سایر متخصصان ارجاع داده شده و نظرات آن‌ها در خلال پژوهش اعمال شده‌اند. تحلیل مصاحبه‌ها با استفاده از تحلیل تم انجام شد. مراحل آن به شرح زیر است:

الف- آشنایی پژوهشگر با داده‌های جمع‌آوری شده: پس از ترانویسی داده‌های همراه با جزئیات توصیفی (از جمله نحوه ابزار احساسات مصاحبه‌شونده در مواجهه با پرسش‌ها، شرایط محیطی و غیره)، کار مطالعه چندباره آنها و نوشتن ایده‌های اولیه توسط پژوهشگر آغاز می‌شود. در این مرحله، بازخوانی مکرر داده‌های کیفی با هدف جستجوی معانی و الگوی صورت می‌پذیرد.

¹ Dufort, Stenbacka, Gumpert

² Theoretical Saturation

³ Snowball sampling

ب- ایجاد گدهای اولیه (سطح اولیه): پس از آشنایی پژوهشگر با داده‌ها، کدگذاری اولیه آغاز می‌شود؛ به این ترتیب که ویژگی‌های جالب داده‌ها به شیوه‌ای سیستماتیک و با توجه به مجموعه‌ی آن‌ها کدگذاری می‌شود؛ هر کد می‌تواند شامل یک یا چند کلمه، عبارت، جمله یا پاراگراف باشد. کدهای استخراج شده، یا به طور مستقیم در مدل‌ها بیان شده بود؛ و یا به شکل تلویحی، توسط پژوهشگر استخراج شدند. در این مرحله، ۵۹ کد اولیه از مصاحبه‌ها احصاء گردید.

پ- جستجوهای کدهای محوری: در این مرحله، پژوهشگر به شناسایی کدهای محوری بالقوه می‌پردازد؛ به عبارت دیگر باید تصمیم بگیرد که کدام کدهای سطح اول را در یک دسته یا تم قرار دهد تا ارتباط معنایی درستی با هم داشته باشند. همچنین، کدهای ناقص، نامرتب و تکراری حذف می‌شوند.

ت- بازبینی کدهای محوری: در گام بعد، پژوهشگر با مرور کدهای محوری و بررسی رابطه آن‌ها برای کدهای سطح اول و سایر کدهای محوری سطح دوم، نقشه شماتیک تحلیل می‌رسد و در واقع با ادغام تم‌های فرعی در تم‌های بزرگتر و سطح بالاتر، ساختار کلی یافته‌ها آشکار می‌شود. در پژوهش جاری، پس از قرار دادن تم‌های مرتبط در یک تم فرعی بزرگ‌تر، در مجموع ۵ کد محوری شناسایی گردید. ۵. تعریف و نام‌گذاری کدهای محوری: پس از دستیابی به یک تصویر رضایت‌بخش از کدهای محوری و اصلاح کدهای اختصاصی در هر تم و داستان کلی تحلیل، نوبت به تعریف و نام‌گذاری تم‌های اصلی (حاصل از ترکیب تم‌های فرعی سطح آخر) توسط پژوهشگر می‌رسد. نام‌گذاری تم‌های اصلی بر مبنای محتویات تم و صلاحدید پژوهشگر انجام می‌شود.

ث- گزارش نویسی: در این مرحله که پژوهشگر با مجموعه‌ای از کدهای محوری کاملاً انتزاعی و منطبق با ساختارهای زمینه‌ای پژوهش مواجه است، با توجه به ادبیات موضوع و پرسش پژوهش، یک گزارش علمی - تحلیلی تولید می‌کند. در این پژوهش از روش دلفی فازی به منظور تأیید و غربالگری کدهای شناسایی شده، استفاده شده است.

یافته‌ها

محصول نهایی هر پژوهش یافته‌های آن هستند که موجودیت پژوهش را توجیه و اثبات می‌کنند. داده‌های جمع‌آوری شده به منظور تجزیه تحلیل و نتیجه‌گیری می‌باید در قالب آزمون‌های آماری به

اطلاعات ارزشمند تبدیل گردند. در ادامه از تحلیل مصاحبه‌ها جداولی تهیه می‌شود که چگونگی دستیابی به نتایج را نشان می‌دهد.

الف- تجزیه و تحلیل تم (مضمون)

بنابر آنچه قبلاً ذکر شد، ابتدا مصاحبه‌های انجام شده، با دقت بررسی گردید و پس از وارد کردن آنها در جداول، و جدا کردن جملات معنادار آنها در سطرهاى مختلف، مفاهیم متنوع مورد استفاده در این تحقیق استخراج شدند. این مفاهیم با توجه به محتوای ظاهری، در دسته‌های مفهومی که در واقع نشان‌گر یک مفهوم مستقل می‌باشند، در جدول (۴-۱) کدگذاری شده است. این دسته‌ها در بخش‌های مختلف این فصل مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

الف) آماده‌سازی داده‌ها: پس از تهیه مدل‌های موجود در این حوزه، داده‌های کیفی پژوهش براساس شماره سؤال مرتب گردیدند.

ب) کدگذاری: پس از مصاحبه‌ها و تحلیل کیفی آنها، در این مرحله، جهت خلق معنی از جداول بدست آمده، این جداول در یک فایل بصورت یک جدول یکپارچه قرار گرفتند و بعد از منظم کردن آنها بر اساس کد تعیین شده، به جملات مربوط به یک کد، با توجه به مفاهیم آنها و نقاط اشتراکشان، عنوانی تعلق گرفت. در ادامه جداول مربوط به کدگذاری‌ها آورده شده است. در این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده شده است.

جدول (۱) کدگذاری باز و محوری

کد محوری (تم فرعی)	کد باز
عدم رعایت حقوق زنان	احساس پایمال شدن از نظر زنان
	ازدواج اجباری ازدواج دیرهنگام زنان بی‌قانونی علیه زنان بی‌سوادى زنان عدم آگاهی زنان محیط زندگی خشن زنان
مدیریت ضعیف مرد در خانواده	افراط و تفریط در برخورد با زن
	بی‌خیالی مرد
	فقدان احترام فقدان نقش ذاتی مردانگی توسط مرد کوتاه آمدن مردان

	گذشت
	گوشه گیر و منزوی
	مردان آرام
مشکلات تربیتی قبل از ازدواج	خشونت و کتک کاری در خانواده قبل از ازدواج تربیت ناصحیح مرد توسط خانواده در دوران کودکی داشتن مادر مستبد قلدرمایی زن کم صبر بودن زنان روحیه خشن مردان قبل از ازدواج
مشکلات جسمی و روحی	اختلاف سنی کم با همسر اختلالات هورمونی بزرگتر بودن سن زن چند شخصیتی بودن مرد زنان عصبی سن بالای مرد فقدان سلامت روان قدرت بدنی مردان نسبت به زنان قدرت جسمانی زن مردان بیمار مشکلات جنسی مرد مردان معتاد هستند.
مشکلات رفتاری زوجین	تداخل نقش زنان و مردان در اجتماع ترس و ناامنی جامعه و بدبینی نسبت به مردان خیانت زنان زن سالاری زنان افسرده زنان خود بزرگبین زنان یک دنده و لجباز و سلطه جو سوء استفاده از اطلاعات مربوط به همسر عدم مسئولیت پذیری مردان خائن مردان خوش گذران ناامیدی از اصلاح مرد اعتماد به نفس پایین مردان تودار بودن مرد خود کم بینی مردان رویه لطیف نسبت به خانواده
مشکلات روانی مردان	

مشکلات معیشتی	فقدان تحکم در نقش پدر بودن
	فقدان توان دفاع از حق خود
	کاهش عزت نفس مرد
	مظلوم بودن مرد
	نداشتن هیچ اختیاری نسبت به امور خود و خانواده
	وابستگی به همسر خانواده
	وابستگی مرد به خانواده‌ی مادری
	جایگاه اقتصادی برتر زنان
	شغل سطح پایین مرد
	وضع نامساعد اقتصادی

برای غربال شاخص‌ها و شناسایی شاخص‌های نهایی از رویکرد دلفی فازی استفاده شده است.

جدول (۲) طیف نه درجه فازی برای ارزش‌گذاری شاخص‌ها

مقیاس عدد فازی	متغیر زبانی	معادل قطعی
(۱،۱،۱)	خیلی بی‌اهمیت	۱
(۱،۲،۳)	خیلی بی‌اهمیت تا بی‌اهمیت	۲
(۲،۳،۴)	بی‌اهمیت	۳
(۳،۴،۵)	بی‌اهمیت تا اهمیت متوسط	۴
(۴،۵،۶)	متوسط	۵
(۵،۶،۷)	متوسط تا با اهمیت	۶
(۶،۷،۸)	با اهمیت	۷
(۷،۸،۹)	با اهمیت تا خیلی با اهمیت	۸
(۹،۹،۹)	خیلی با اهمیت	۹

دیدگاه خبرگان در زمینه میزان اهمیت شاخص‌ها گردآوری شده است. برای تعیین اهمیت شاخص‌ها از دیدگاه خبرگان استفاده شده است. در این مطالعه نیز برای فازی‌سازی دیدگاه خبرگان از اعداد فازی مثلثی استفاده شده است. پس از نظرسنجی از خبرگان در گام بعدی باید میانگین فازی میانگین‌های فازی نمرات افراد حساب شود.

جدول ۳) میانگین فازی و غربالگری فازی شاخص‌ها (راند یک)

نتیجه	کریسپ	میانگین	حدبالا	حدوسط	حدپایین	راند ۱
پذیرش	۷.۴۷	(۸.۲۵, ۷.۵۸, ۶.۵۸)	۸.۲۵	۷.۵۸	۶.۵۸	احساس پایمال شدن از نظر زنان
پذیرش	۷.۷۵	(۸.۴۲, ۷.۹۲, ۶.۹۲)	۸.۴۲	۷.۹۲	۶.۹۲	ازدواج اجباری
پذیرش	۷.۴۲	(۸.۲۵, ۷.۵, ۶.۵)	۸.۲۵	۷.۵۰	۶.۵۰	ازدواج دیرهنگام زنان
پذیرش	۷.۴۲	(۸.۲۵, ۷.۵, ۶.۵)	۸.۲۵	۷.۵۰	۶.۵۰	بی‌قانونی علیه زنان
پذیرش	۷.۳۶	(۸.۲۵, ۷.۴۲, ۶.۴۲)	۸.۲۵	۷.۴۲	۶.۴۲	بی‌سوادى زنان
پذیرش	۷.۳۴	(۸.۱۷, ۷.۴۲, ۶.۴۲)	۸.۱۷	۷.۴۲	۶.۴۲	عدم آگاهی زنان
پذیرش	۷.۲۸	(۷.۹۲, ۷.۴۲, ۶.۵)	۷.۹۲	۷.۴۲	۶.۵۰	محیط زندگی خشن زنان
پذیرش	۷.۱۷	(۸, ۷.۲۵, ۶.۲۵)	۸.۰۰	۷.۲۵	۶.۲۵	افراط و تفریط در برخورد با زن
پذیرش	۷.۷۵	(۸.۴۲, ۷.۹۲, ۶.۹۲)	۸.۴۲	۷.۹۲	۶.۹۲	بی‌خیال
پذیرش	۷.۳۶	(۸.۰۸, ۷.۵, ۶.۵)	۸.۰۸	۷.۵۰	۶.۵۰	فقدان احترام
پذیرش	۷.۶۱	(۸.۳۳, ۷.۷۵, ۶.۷۵)	۸.۳۳	۷.۷۵	۶.۷۵	فقدان نقش ذاتی مردانگی توسط مرد
پذیرش	۷.۲۲	(۸.۱۷, ۷.۲۵, ۶.۲۵)	۸.۱۷	۷.۲۵	۶.۲۵	کوتاه آمدن مردان
پذیرش	۷.۰۶	(۷.۷۵, ۷.۱۷, ۶.۲۵)	۷.۷۵	۷.۱۷	۶.۲۵	گذشت
پذیرش	۷.۰۸	(۷.۷۵, ۷.۲۵, ۶.۲۵)	۷.۷۵	۷.۲۵	۶.۲۵	گوشه‌گیر و منزوی
پذیرش	۷.۶۹	(۸.۴۲, ۷.۸۳, ۶.۸۳)	۸.۴۲	۷.۸۳	۶.۸۳	مردان آرام
پذیرش	۷.۸۶	(۸.۵۸, ۸, ۷)	۸.۵۸	۸.۰۰	۷.۰۰	خشونت و کتک‌کاری در خانواده قبل از ازدواج
پذیرش	۷.۳۴	(۸.۱۷, ۷.۴۲, ۶.۴۲)	۸.۱۷	۷.۴۲	۶.۴۲	تربیت ناصحیح مرد توسط خانواده در دوران کودکی
پذیرش	۷.۱۴	(۷.۹۲, ۷.۲۵, ۶.۲۵)	۷.۹۲	۷.۲۵	۶.۲۵	داشتن مادر مستبد
پذیرش	۷.۴۷	(۸.۴۲, ۷.۵, ۶.۵)	۸.۴۲	۷.۵۰	۶.۵۰	قلدرمایی زن
پذیرش	۷.۱۴	(۷.۹۲, ۷.۲۵, ۶.۲۵)	۷.۹۲	۷.۲۵	۶.۲۵	کم‌صبر بودن زنان
پذیرش	۷.۳۴	(۸.۱۷, ۷.۴۲, ۶.۴۲)	۸.۱۷	۷.۴۲	۶.۴۲	روحیه خشن مردان قبل از ازدواج
پذیرش	۷.۸۹	(۸.۶۷, ۸, ۷)	۸.۶۷	۸.۰۰	۷.۰۰	اختلاف سنی کم با همسر
پذیرش	۷.۵۹	(۸.۴۲, ۷.۶۷, ۶.۶۷)	۸.۴۲	۷.۶۷	۶.۶۷	اختلالات هورمونی
پذیرش	۷.۵۸	(۸.۱۷, ۷.۷۵, ۶.۸۳)	۸.۱۷	۷.۷۵	۶.۸۳	بزرگ‌تر بودن سن زن
پذیرش	۷.۸۴	(۸.۶۷, ۷.۹۲, ۶.۹۲)	۸.۶۷	۷.۹۲	۶.۹۲	چند شخصیتی بودن مرد
پذیرش	۷.۴۷	(۸.۴۲, ۷.۵, ۶.۵)	۸.۴۲	۷.۵۰	۶.۵۰	زنان عصبی
پذیرش	۷.۵۸	(۸.۲۵, ۷.۷۵, ۶.۷۵)	۸.۲۵	۷.۷۵	۶.۷۵	سن بالای مرد
پذیرش	۷.۷۵	(۸.۴۲, ۷.۹۲, ۶.۹۲)	۸.۴۲	۷.۹۲	۶.۹۲	فقدان سلامت روان
پذیرش	۷.۸۹	(۸.۶۷, ۸, ۷)	۸.۶۷	۸.۰۰	۷.۰۰	قدرت بدنی مردان نسبت به زنان
پذیرش	۷.۱۱	(۸, ۷.۱۷, ۶.۱۷)	۸.۰۰	۷.۱۷	۶.۱۷	قدرت جسمانی زن
پذیرش	۷.۳۶	(۸.۰۸, ۷.۵, ۶.۵)	۸.۰۸	۷.۵۰	۶.۵۰	مردان بیمار

مشکلات جنسی مرد	۶.۰۸	۷.۰۸	۸.۰۰	(۸,۷,۰۸,۶,۰۸)	۷.۰۵	پذیرش
مردان معتاد هستند.	۶.۵۸	۷.۵۸	۸.۳۳	(۸,۳۳,۷,۵۸,۶,۵۸)	۷.۵۰	پذیرش
تداخل نقش زنان و مردان در اجتماع	۶.۴۲	۷.۴۲	۸.۰۸	(۸,۰۸,۷,۴۲,۶,۴۲)	۷.۳۱	پذیرش
ترس و ناامنی جامعه و بدبینی نسبت به مردان	۶.۵۰	۷.۵۰	۸.۰۸	(۸,۰۸,۷,۵۰,۶,۵۰)	۷.۳۶	پذیرش
خیانت زنان	۶.۵۸	۷.۵۰	۸.۰۰	(۸,۷,۵,۶,۵۸)	۷.۳۶	پذیرش
زن سالاری	۶.۳۳	۷.۳۳	۸.۰۸	(۸,۰۸,۷,۳۳,۶,۳۳)	۷.۲۵	پذیرش
زنان افسرده	۶.۶۷	۷.۶۷	۸.۳۳	(۸,۳۳,۷,۶۷,۶,۶۷)	۷.۵۶	پذیرش
زنان خودبزرگبین	۶.۵۰	۷.۵۰	۸.۱۷	(۸,۱۷,۷,۵۰,۶,۵۰)	۷.۳۹	پذیرش
زنان یک‌دنده و لجاجت و سلطه‌جو	۶.۴۲	۷.۴۲	۸.۰۸	(۸,۰۸,۷,۴۲,۶,۴۲)	۷.۳۱	پذیرش
سوءاستفاده از اطلاعات مربوط به همسر	۶.۵۸	۷.۵۸	۸.۳۳	(۸,۳۳,۷,۵۸,۶,۵۸)	۷.۵۰	پذیرش
عدم مسئولیت‌پذیری	۶.۴۲	۷.۴۲	۸.۲۵	(۸,۲۵,۷,۴۲,۶,۴۲)	۷.۳۶	پذیرش
مردان خائن	۶.۰۸	۷.۰۸	۷.۹۲	(۷,۹۲,۷,۰۸,۶,۰۸)	۷.۰۳	پذیرش
مردان خوش‌گذران	۶.۵۰	۷.۵۰	۸.۳۳	(۸,۳۳,۷,۵۰,۶,۵۰)	۷.۴۴	پذیرش
ناامیدی از اصلاح مرد	۶.۹۲	۷.۹۲	۸.۳۳	(۸,۳۳,۷,۹۲,۶,۹۲)	۷.۷۲	پذیرش
اعتماد به نفس پایین مردان	۶.۳۳	۷.۳۳	۸.۱۷	(۸,۱۷,۷,۳۳,۶,۳۳)	۷.۲۸	پذیرش
توداری بودن مرد	۶.۶۷	۷.۶۷	۸.۲۵	(۸,۲۵,۷,۶۷,۶,۶۷)	۷.۵۳	پذیرش
خودکم‌بینی مردان	۶.۵۰	۷.۵۰	۸.۴۲	(۸,۴۲,۷,۵۰,۶,۵۰)	۷.۴۷	پذیرش
رویه لطیف نسبت به خانواده	۶.۶۷	۷.۶۷	۸.۲۵	(۸,۲۵,۷,۶۷,۶,۶۷)	۷.۵۳	پذیرش
فقدان تحکم در نقش پدر بودن	۶.۵۸	۷.۵۸	۸.۳۳	(۸,۳۳,۷,۵۸,۶,۵۸)	۷.۵۰	پذیرش
فقدان توان دفاع از حق خود	۶.۲۵	۷.۲۵	۸.۲۵	(۸,۲۵,۷,۲۵,۶,۲۵)	۷.۲۵	پذیرش
کاهش عزت نفس مرد	۶.۷۵	۷.۷۵	۸.۳۳	(۸,۳۳,۷,۷۵,۶,۷۵)	۷.۶۱	پذیرش
مظلوم بودن مرد	۷.۰۰	۸.۰۰	۸.۸۳	(۸,۸۳,۸,۷)	۷.۹۴	پذیرش
نداشتن هیچ اختیاری نسبت به امور خود و خانواده	۶.۵۸	۷.۵۸	۸.۱۷	(۸,۱۷,۷,۵۸,۶,۵۸)	۷.۴۴	پذیرش
وابستگی به همسر خانواده	۶.۵۰	۷.۵۰	۸.۲۵	(۸,۲۵,۷,۵۰,۶,۵۰)	۷.۴۲	پذیرش
وابستگی مرد به خانواده‌ی مادری	۶.۷۵	۷.۷۵	۸.۳۳	(۸,۳۳,۷,۷۵,۶,۷۵)	۷.۶۱	پذیرش
جایگاه اقتصادی برتر زنان	۶.۲۵	۷.۲۵	۸.۱۷	(۸,۱۷,۷,۲۵,۶,۲۵)	۷.۲۲	پذیرش
شغل سطح پایین مرد	۶.۵۸	۷.۵۸	۸.۲۵	(۸,۲۵,۷,۵۸,۶,۵۸)	۷.۴۷	پذیرش
وضع نامساعد اقتصادی	۶.۹۲	۷.۸۳	۸.۲۵	(۸,۲۵,۷,۸۳,۶,۹۲)	۷.۶۷	پذیرش

نتایج جدول (۳) که به منظور فازی‌زدایی انجام گرفت، نشان داد که تمام شاخص‌ها از حد آستانه مفروض یعنی ۷ بیشتر گزارش شد. این به معنای تأیید شاخص‌های شناسایی شده هست. اما علی‌رغم

اینکه در راند اول دلفی تمامی مواردی امتیاز بیشتر از ۷ کسب کردند، اما در این مرحله برخی از مفاهیم براساس نظر خبرگان با هم ادغام شدند و عنوان جدیدی به خود اختصاص دادند. شاخص‌های «احساس پایمال شدن از نظر زنان» «بی‌قانونی علیه زنان» «عدم آگاهی زنان» «محیط زندگی خشن زنان» مربوط به تم فرعی «عدم رعایت حقوق زنان» با هم ادغام شده و تحت عنوان «فقدان آگاهی در مورد حقوق زنان» نام‌گذاری شد. دو شاخص «ازدواج اجباری» و «ازدواج دیر هنگام زنان» مربوط به تم فرعی «عدم رعایت حقوق زنان» با هم ادغام شده و تحت عنوان «مشکلات ازدواج زنان» نام گرفت.

شاخص‌های «بی‌خیال بودن مرد» «کوتاه آمدن مردان» «گذشت مردان» «گوشه‌گیر و منزوی بودن مرد» «مردان آرام» مربوط به تم فرعی «ضعف مدیریت مرد در خانواده» با شاخص «افراط و تفریط در برخورد با زن» ادغام شدند. شاخص‌های «پرخاشگری، کتک‌کاری در خانواده قبل از ازدواج» «داشتن مادر مستبد» مربوط به تم فرعی «مشکلات تربیتی قبل از ازدواج» «روحیه خشن مردان قبل از ازدواج» با شاخص «تربیت ناصحیح توسط خانواده در دوران کودکی» ادغام شدند. شاخص «کم‌صبر بودن زنان» با شاخص «قلدرمایی زن» با هم ادغام شدند. شاخص‌های «اختلاف سنی کم با همسر» «بزرگ‌تر بودن سن زن» «سن بالای مرد» مربوط به تم فرعی «مشکلات جسمی و روحی» با هم ادغام شده و تحت عنوان «اختلاف سنی» نام‌گذاری شد.

شاخص «اختلالات هورمونی» با «مشکلات جنسی» ادغام شد. شاخص‌های «چند شخصیتی بودن مرد» «زنان عصبی» با شاخص «فقدان سلامت روان» ادغام شدند. شاخص‌های «قدرت بدنی مردان نسبت به زنان» «قدرت جسمانی زن» با هم ادغام شدند و تحت عنوان «نابرابری قدرت جسمی» نام‌گذاری شد. شاخص‌های «تداخل نقش زنان و مردان در اجتماع» «ترس و ناامنی جامعه و بدبینی نسبت به مردان» مربوط به تم فرعی «مشکلات رفتاری زوجین» با هم ادغام شدند و تحت عنوان «عدم امنیت زنان» نام‌گذاری شد.

شاخص‌های «خیانت زنان» «زن‌سالاری» «زنان افسرده» «زنان خودبزرگ‌بین» «زنان یک‌دنده و لجباز و سلطه‌جو» «سوءاستفاده از اطلاعات مربوط به همسر» با هم ادغام شدند و تحت عنوان «مشکلات اخلاقی زن» نام گرفتند. شاخص‌های «عدم مسئولیت‌پذیری مردان» «مردان خائن» «مردان خوش‌گذران» «ناامیدی از اصلاح مرد» با هم ادغام شدند و تحت عنوان «مشکلات اخلاقی مردان» نام‌گذاری شدند. شاخص‌های

«خودکم‌بینی مردان» «فقدان توان دفاع از حق خود» «کاهش عزت نفس مرد» «مظلوم بودن مرد» «نداشتن هیچ اختیاری نسبت به امور خود و خانواده» مربوط به تم فرعی «مشکلات روانی زوجین» با شاخص «اعتماد به نفس پایین مردان» ادغام شدند. شاخص‌های «توداربودن مرد» «رویه لطیف نسبت به خانواده» «فقدان تحکم در نقش پدر بودن» «وابستگی به همسر خانواده» «وابستگی مرد به خانواده‌ی مادری» مربوط به تم فرعی «مشکلات روانی زوجین» با هم ادغام شدند و تحت عنوان «شخصیت وابسته مرد» نام‌گذاری شد. شاخص «شغل سطح پایین مرد» مربوط به تم فرعی «مشکلات معیشتی» با شاخص «وضع نامساعد اقتصادی» ادغام شد. تحلیل دلفی فازی برای شاخص‌های باقی مانده در راند دوم ادامه پیدا کرد. نتایج حاصل از فازی‌زدایی عناصر در راند دوم در جدول (۵) گزارش شده است:

جدول (۴) میانگین فازی و غربالگری فازی شاخص‌ها (راند دو)

نتیجه	کریسپ	میانگین	حدبالا	حدوسط	حدپایین	راند ۲
پذیرش	۷.۹۷	(۸.۷۵, ۸.۰۸, ۷.۰۸)	۸.۷۵	۸.۰۸	۷.۰۸	فقدان آگاهی در مورد حقوق زنان
پذیرش	۷.۳۹	(۸.۳۳, ۷.۴۲, ۶.۴۲)	۸.۳۳	۷.۴۲	۶.۴۲	مشکلات ازدواج زنان
پذیرش	۷.۶۴	(۸.۵۸, ۷.۶۷, ۶.۶۷)	۸.۵۸	۷.۶۷	۶.۶۷	افراط و تفریط در برخورد با زن
پذیرش	۷.۷۲	(۸.۵, ۷.۸۳, ۶.۸۳)	۸.۵۰	۷.۸۳	۶.۸۳	فقدان احترام
پذیرش	۸.۰۸	(۸.۷۵, ۸.۲۵, ۷.۲۵)	۸.۷۵	۸.۲۵	۷.۲۵	فقدان نقش ذاتی مردانگی توسط مرد
پذیرش	۷.۹۷	(۸.۷۵, ۸.۰۸, ۷.۰۸)	۸.۷۵	۸.۰۸	۷.۰۸	تربیت ناصحیح مرد توسط خانواده در دوران کودکی
پذیرش	۷.۶۴	(۸.۴۲, ۷.۷۵, ۶.۷۵)	۸.۴۲	۷.۷۵	۶.۷۵	قلدرمایی زن
پذیرش	۷.۶۷	(۸.۵, ۷.۷۵, ۶.۷۵)	۸.۵۰	۷.۷۵	۶.۷۵	اختلاف سنی
پذیرش	۷.۷۸	(۸.۶۷, ۷.۸۳, ۶.۸۳)	۸.۶۷	۷.۸۳	۶.۸۳	اختلالات هورمونی
پذیرش	۷.۹۷	(۸.۷۵, ۸.۰۸, ۷.۰۸)	۸.۷۵	۸.۰۸	۷.۰۸	فقدان سلامت روان
پذیرش	۷.۷۵	(۸.۵۸, ۷.۸۳, ۶.۸۳)	۸.۵۸	۷.۸۳	۶.۸۳	ناپرباری قدرت جسمی
پذیرش	۸.۱۱	(۸.۸۳, ۸.۲۵, ۷.۲۵)	۸.۸۳	۸.۲۵	۷.۲۵	مردان بیمار

معتاد هستند	۶.۵۸	۷.۵۸	۸.۵۰	(۸.۵,۷.۵۸,۶.۵۸)	۷.۵۵	پذیرش
عدم امنیت زنان	۶.۸۳	۷.۸۳	۸.۶۷	(۸.۶۷,۷.۸۳,۶.۸۳)	۷.۷۸	پذیرش
مشکلات اخلاقی زن	۷.۰۰	۸.۰۰	۸.۵۸	(۸.۵۸,۸,۷)	۷.۸۶	پذیرش
مشکلات اخلاقی مردان	۶.۴۲	۷.۴۲	۸.۱۷	(۸.۱۷,۷.۴۲,۶.۴۲)	۷.۳۴	پذیرش
اعتماد به نفس پایین مردان	۶.۲۵	۷.۲۵	۷.۹۲	(۷.۹۲,۷.۲۵,۶.۲۵)	۷.۱۴	پذیرش
شخصیت وابسته مرد	۶.۵۰	۷.۵۰	۸.۴۲	(۸.۴۲,۷.۵,۶.۵)	۷.۴۷	پذیرش
جایگاه اقتصادی برتر زنان	۶.۲۵	۷.۲۵	۷.۹۲	(۷.۹۲,۷.۲۵,۶.۲۵)	۷.۱۴	پذیرش
وضع نامساعد اقتصادی مرد	۶.۴۲	۷.۴۲	۸.۱۷	(۸.۱۷,۷.۴۲,۶.۴۲)	۷.۳۴	پذیرش

براساس نتایج بدست آمده از جدول ۴ مشخص شده است تمام شاخص‌ها امتیازی بیشتر از ۷ کسب کرده‌اند. نتایج حاصل از فازی‌زدایی عناصر در راند سوم در جدول ۵ گزارش شده است:

جدول ۵) میانگین فازی و غربالگری فازی شاخص‌ها (راند سه)

نتیجه	کریسپ	میانگین	حدبالا	حدوسط	حدپایین	راند ۲
پذیرش	۷.۸۴	(۸.۱۷,۷.۴۲,۶.۴۲)	۸.۱۷	۷.۴۲	۶.۴۲	فقدان آگاهی در مورد حقوق زنان
پذیرش	۷.۸۹	(۸.۶۷,۸,۷)	۸.۶۷	۸.۰۰	۷.۰۰	مشکلات ازدواج زنان
پذیرش	۷.۵۹	(۸.۴۲,۷.۶۷,۶.۶۷)	۸.۴۲	۷.۶۷	۶.۶۷	افراط و تفریط در برخورد با زن
پذیرش	۷.۵۸	(۸.۱۷,۷.۷۵,۶.۸۳)	۸.۱۷	۷.۷۵	۶.۸۳	فقدان احترام
پذیرش	۷.۸۴	(۸.۶۷,۷.۹۲,۶.۹۲)	۸.۶۷	۷.۹۲	۶.۹۲	فقدان نقش ذاتی مردانگی توسط مرد
پذیرش	۷.۴۷	(۸.۴۲,۷.۵,۶.۵)	۸.۴۲	۷.۵۰	۶.۵۰	تربیت ناصحیح مرد توسط خانواده در دوران کودکی
پذیرش	۷.۵۸	(۸.۲۵,۷.۷۵,۶.۷۵)	۸.۲۵	۷.۷۵	۶.۷۵	قلدرمایی زن
پذیرش	۷.۷۵	(۸.۴۲,۷.۹۲,۶.۹۲)	۸.۴۲	۷.۹۲	۶.۹۲	اختلاف سنی
پذیرش	۷.۸۹	(۸.۶۷,۸,۷)	۸.۶۷	۸.۰۰	۷.۰۰	اختلالات هورمونی
پذیرش	۷.۸۱	(۸,۷.۱۷,۶.۱۷)	۸.۰۰	۷.۱۷	۶.۱۷	فقدان سلامت روان
پذیرش	۷.۳۶	(۸.۰۸,۷.۵,۶.۵)	۸.۰۸	۷.۵۰	۶.۵۰	نابرابری قدرت جسمی

پذیرش	۸.۰۵	(۸,۷,۰۸,۶,۰۸)	۸.۰۰	۷.۰۸	۶.۰۸	مردان بیمار
پذیرش	۷.۵	(۸.۳۳,۷.۵۸,۶.۵۸)	۸.۳۳	۷.۵۸	۶.۵۸	معتاد هستند
پذیرش	۷.۳۱	(۸.۰۸,۷.۴۲,۶.۴۲)	۸.۰۸	۷.۴۲	۶.۴۲	عدم امنیت زنان
پذیرش	۷.۳۶	(۸.۰۸,۷.۵,۶.۵)	۸.۰۸	۷.۵۰	۶.۵۰	مشکلات اخلاقی زن
پذیرش	۷.۳۶	(۸,۷,۵,۶,۵۸)	۸.۰۰	۷.۵۰	۶.۵۸	مشکلات اخلاقی مردان
پذیرش	۷.۲۵	(۸.۰۸,۷.۳۳,۶.۳۳)	۸.۰۸	۷.۳۳	۶.۳۳	اعتماد به نفس پایین مردان
پذیرش	۷.۵۶	(۸.۳۳,۷.۶۷,۶.۶۷)	۸.۳۳	۷.۶۷	۶.۶۷	شخصیت وابسته مرد
پذیرش	۷.۳۹	(۸.۱۷,۷.۵,۶.۵)	۸.۱۷	۷.۵۰	۶.۵۰	جایگاه اقتصادی برتر زنان
پذیرش	۷.۳۱	(۸.۰۸,۷.۴۲,۶.۴۲)	۸.۰۸	۷.۴۲	۶.۴۲	وضع نامساعد اقتصادی مرد

ب- پایان راندهای تکنیک دلفی

در دور سوم هیچ سوالی حذف نشد که این خود نشانه‌ای برای پایان راندهای دلفی است. بطور کلی یک رویکرد برای پایان دلفی آن است که میانگین امتیازات سوالات راند اول و راند دوم باهم مقایسه شوند. در صورتیکه اختلاف بین دو مرحله از حد آستانه خیلی کم (۰/۲) کوچکتر باشد در این صورت فرایند نظرسنجی متوقف می‌شود (چنگ و لین، ۲۰۰۲؛ نمونه فارسی لطیفی و همکاران، ۱۳۹۷).

جدول ۶) فاصله مقدار قطعی راند سه و راند دو

نتیجه	اختلاف	نتیجه راند ۲	نتیجه راند ۳	شاخص‌ها
توافق	۰.۱۳	۷.۹۷	۷.۸۴	فقدان آگاهی در مورد حقوق زنان
توافق	-۰.۵	۷.۳۹	۷.۸۹	مشکلات ازدواج زنان
توافق	۰.۰۵	۷.۶۴	۷.۵۹	افراط و تفریط در برخورد با زن
توافق	۰.۱۴	۷.۷۲	۷.۵۸	فقدان احترام
توافق	۰.۲۴	۸.۰۸	۷.۸۴	فقدان نقش ذاتی مردانگی توسط مرد
توافق	۰.۵	۷.۹۷	۷.۴۷	تربیت ناصحیح مرد توسط خانواده در دوران کودکی
توافق	۰.۰۶	۷.۶۴	۷.۵۸	قلدرمایی زن

تواف	۰۰۰۸	۷۰۶۷	۷۰۷۵	اختلاف سنی
ق				
تواف	۰۰۱۱	۷۰۷۸	۷۰۸۹	اختلالات هورمونی
ق				
تواف	۰۰۱۶	۷۰۹۷	۷۰۸۱	فقدان سلامت روان
ق				
تواف	۰۰۳۹	۷۰۷۵	۷۰۳۶	نابرابری قدرت جسمی
ق				
تواف	۰۰۰۶	۸۰۱۱	۸۰۰۵	مردان بیمار
ق				
تواف	۰۰۰۵	۷۰۵۵	۷۰۵	معتاد هستند
ق				
تواف	۰۰۴۷	۷۰۷۸	۷۰۳۱	عدم امنیت زنان
ق				
تواف	۰۰۰۵	۷۰۸۶	۷۰۳۶	مشکلات اخلاقی زن
ق				
تواف	۰۰۰۲	۷۰۳۴	۷۰۳۶	مشکلات اخلاقی مردان
ق				
تواف	۰۰۱۱	۷۰۱۴	۷۰۲۵	اعتماد به نفس پایین مردان
ق				
تواف	۰۰۰۹	۷۰۴۷	۷۰۵۶	شخصیت وابسته مرد
ق				
تواف	۰۰۲۵	۷۰۱۴	۷۰۳۹	جایگاه اقتصادی برتر زنان
ق				
تواف	۰۰۰۳	۷۰۳۴	۷۰۳۱	وضع نامساعد اقتصادی مرد
ق				

براساس نتایج مندرج در جدول ۶ مشخص گردید که در تمامی موارد اختلاف کوچکتر از ۰/۸ است بنابراین می‌توان راندهای دلفی را به پایان برد.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل موثر بر خشونت خانگی علیه مردان انجام گرفت. ابتدا با بهره‌گیری از مصاحبه با مردان مورد خشونت واقع شده، عوامل مربوطه شناسایی شد. به این منظور از روش تحلیل مضمون برای این کار استفاده شد. پس از آشنایی پژوهشگر با داده‌ها، کدگذاری اولیه آغاز شد؛ به این ترتیب که ویژگی‌های جالب داده‌ها به شیوه‌ای سیستماتیک و با توجه به مجموعه‌ی آن‌ها کدگذاری شد. در این مرحله، ۵۹ کد اولیه از مصاحبه‌ها احصاء گردید. در ادامه به جستجوهای

کدهای محوری پرداخته شد. در این مرحله، پژوهشگر به شناسایی کدهای محوری بالقوه پرداخت، در گام بعد، پژوهشگر با مرور کدهای محوری و بررسی رابطه آن‌ها برای کدهای سطح اول و سایر کدهای محوری سطح دوم، نقشه شماتیک تحلیل می‌رسد و در واقع با ادغام تم‌های فرعی در تم‌های بزرگتر و سطح بالاتر، ساختار کلی یافته‌ها آشکار می‌شود. در پژوهش جاری، پس از قرار دادن تم‌های مرتبط در یک تم فرعی بزرگ‌تر، در مجموع ۷ کد محوری شناسایی گردید. برای غربال شاخص‌ها و شناسایی شاخص‌های نهایی از رویکرد دلفی فازی استفاده شده است. دیدگاه خبرگان در زمینه میزان اهمیت شاخص‌ها گردآوری شده است. برای تعیین اهمیت شاخص‌ها از دیدگاه خبرگان استفاده شده است. اگرچه افراد خبره از توانایی‌های ذهنی خود برای انجام مقایسات استفاده می‌نمایند، اما باید به این نکته توجه داشت که فرآیند سستی کمی‌سازی دیدگاه افراد، امکان انعکاس سبک تفکر انسانی را بطور کامل ندارد. به عبارت بهتر، استفاده از مجموعه‌های فازی، سازگاری بیشتری با توضیحات زبانی و بعضاً مبهم انسانی دارد و بنابراین بهتر است که با استفاده از مجموعه‌های فازی (بکارگیری اعداد فازی) به پیش‌بینی بلندمدت و تصمیم‌گیری در دنیای واقعی پرداخت. در این پژوهش نیز برای فازی‌سازی دیدگاه خبرگان از اعداد فازی مثلثی استفاده شده است. تکنیک دلفی فازی در ۲ راند انجام گرفت.

علی‌رغم اینکه در راند اول دلفی تمامی مواردی امتیاز بیشتر از ۷ کسب کردند، اما در این مرحله برخی از مفاهیم براساس نظر خبرگان با هم ادغام شدند و عنوان جدیدی به خود اختصاص دادند.

شاخص‌های «احساس پایمال شدن از نظر زنان» «بی‌قانونی علیه زنان» «عدم آگاهی زنان» «محیط زندگی خشن زنان» مربوط به تم فرعی «عدم رعایت حقوق زنان» با هم ادغام شده و تحت عنوان «فقدان آگاهی در مورد حقوق زنان» نام‌گذاری شد. دو شاخص «ازدواج اجباری» و «ازدواج دیر هنگام زنان» مربوط به تم فرعی «عدم رعایت حقوق زنان» با هم ادغام شده و تحت عنوان «مشکلات ازدواج زنان» نام گرفت. شاخص‌های «بی‌خیال بودن مرد» «کوتاه آمدن مردان» «گذشت مردان» «گوشه‌گیر و منزوی بودن مرد» «مردان آرام» مربوط به تم فرعی «ضعف مدیریت مرد در خانواده» با شاخص «افراط و تفریط در برخورد با زن» ادغام شدند. شاخص‌های «پرخاشگری، کتک‌کاری در خانواده قبل از ازدواج» «داشتن مادر مستبد» مربوط به تم فرعی «مشکلات تربیتی قبل از ازدواج» «روحیه خشن مردان قبل از ازدواج» با شاخص «تربیت ناصحیح توسط خانواده در دوران کودکی» ادغام شدند. شاخص «کم‌صبر

بودن زنان» با شاخص «قلدرمایی زن» با هم ادغام شدند. شاخص‌های «اختلاف سنی کم با همسر» «بزرگ‌تر بودن سن زن» «سن بالای مرد» مربوط به تم فرعی «مشکلات جسمی و روحی» با هم ادغام شده و تحت عنوان «اختلاف سنی» نامگذاری شد. شاخص «اختلالات هورمونی» با «مشکلات جنسی» ادغام شد. شاخص‌های «چند شخصیتی بودن مرد» «زنان عصبی» با شاخص «فقدان سلامت روان» ادغام شدند. شاخص‌های «قدرت بدنی مردان نسبت به زنان» «قدرت جسمانی زن» با هم ادغام شدند و تحت عنوان «نابرابری قدرت جسمی» نامگذاری شد. شاخص‌های «تداخل نقش زنان و مردان در اجتماع» «ترس و ناامنی جامعه و بدبینی نسبت به مردان» مربوط به تم فرعی «مشکلات رفتاری زوجین» با هم ادغام شدند و تحت عنوان «عدم امنیت زنان» نامگذاری شد. شاخص‌های «خیانت زنان» «زن‌سالاری» «زنان افسرده» «زنان خودبزرگ‌بین» «زنان یک‌دنده و لجاجز و سلطه‌جو» «سوءاستفاده از اطلاعات مربوط به همسر» با هم ادغام شدند و تحت عنوان «مشکلات اخلاقی زن» نام گرفتند. شاخص‌های «عدم مسئولیت‌پذیری مردان» «مردان خائن» «مردان خوش‌گذران» «ناامیدی از اصلاح مرد» با هم ادغام شدند و تحت عنوان «مشکلات اخلاقی مردان» نامگذاری شدند. شاخص‌های «خودکم‌بینی مردان» «فقدان توان دفاع از حق خود» «کاهش عزت نفس مرد» «مظلوم بودن مرد» «نداشتن هیچ اختیاری نسبت به امور خود و خانواده» مربوط به تم فرعی «مشکلات روانی زوجین» با شاخص «اعتماد به نفس پایین مردان» ادغام شدند. شاخص‌های «تودار بودن مرد» «رویه لطیف نسبت به خانواده» «فقدان تحکم در نقش پدر بودن» «وابستگی به همسر خانواده» «وابستگی مرد به خانواده‌ی مادری» مربوط به تم فرعی «مشکلات روانی زوجین» با هم ادغام شدند و تحت عنوان «شخصیت وابسته مرد» نامگذاری شد. شاخص «شغل سطح پایین مرد» مربوط به تم فرعی «مشکلات معیشتی» با شاخص «وضع نامساعد اقتصادی» ادغام شد.

در راند دوم بر اساس نتایج مشخص شده است تمام شاخص‌ها امتیازی بیشتر از ۷ کسب کرده‌اند. برای تأیید اجماع لازم است که حداقل ۷۰ درصد از خبرگان، جواب یکسانی به یکی از گزینه‌های پاسخ برای گویه داده باشند. بر اساس نتایج بدست آمده درصد اجماع برای تمام زیرمعیارها برابر یا بیشتر از ۷۰ درصد است، بنابراین اجماع یا توافق خبرگان حاصل شده است و دلفی متوقف شد.

محمدخانی، (۱۳۸۵) در پژوهشی نشان می‌دهد که مردان همسر آزار به طور معناداری علائم بیشتری از جسمانی سازی، وسواس، افسردگی، اضطراب، خصومت، اضطراب، افکار پارانوئیدی و روان پریشی

بروز داده‌اند. سوگرم^۱ (۲۰۱۴) نیز بر دو عامل شخصیت ضداجتماعی و مرزی در افراد مرتکب تأکید دارد. این پژوهش به نیمرخ شخصیتی و ارتباطی متفاوتی از غیر مرتکبین برای خشونت ورزان معتقد است. کارلسون، گاندولف و راسل در ارائه یکی از مشهورترین الگوهای تیپ شناسی افراد مهاجم، آنان را در سه طبقه قرار دادند: آزارگر جامعه ستیز، آزارگر ضد اجتماعی و مهاجمان تیبیک و دسته اول را خطرناکترین موارد اعلام نمودند. یکی دیگر از عوامل به دست آمده که در دسته عوامل زوجی قرار می‌گیرد، مدیریت ضعیف مرد در خانوادهاست. میرشفیعیان (۱۳۸۸) هم در مورد علت‌های خشونت زنان علیه مردان به چندین مورد اشاره می‌کند، یکی از این موارد، خشونت روانی است که در زیرمجموعه آن، مواردی همچون بی‌توجهی مردان، نداشتن ثبات در زندگی خانوادگی، تحقیرشدن زنان توسط پدرانشان، عارضه‌های دوران بلوغ و بی‌توجهی به آنها، تهدید مرد به عدم پرداخت مهریه و القا کردن حس تبعیض توسط مردان می‌باشد. یکی دیگر از دلایل مهم خشونت علیه مردان، سکوت آنهاست. وقتی که اکثر مردان، دچار خشونت می‌شوند، سکوت می‌کنند و به غار تنهایی خودشان می‌روند.

علاوه بر این، مردان به دلیل جایگاه خاص اجتماعی خود و ترس از مورد تمسخر و استهزا قرار گرفتن تمایلی به بیان مآقع خود ندارند و به همین دلیل ارتکاب جرائم بر علیه آنان مخفی باقی می‌ماند. مساله دیگر مشکلات معیشتی است. پژوهش‌های مختلف انجام گرفته در این زمینه هم نشان داده که وجود این مشکلات می‌تواند زمینه ساز خشونت‌های نسبت به همسر شود. اندرسن^۲ (۱۹۹۷)، پژوهشی با عنوان جنسیت، پایگاه و خشونت خانوادگی در آمریکا به این نتیجه رسید که مردانی که از وضعیت اقتصادی پایینتری نسبت به همسرشان برخوردار بودند به طور معناداری بیشتر مرتکب خشونت خانوادگی می‌شوند. در این پژوهش با محدودیت‌هایی به شرح زیر مواجه بودیم:

- محدودیت در تعمیم نتایج به جوامع دیگر به دلیل استفاده از نمونه آماری محدود به افراد مورد مطالعه؛ لذا در تعمیم نتیجه به سایر گروهها باید احتیاط نمود.

- محدودیت نحوه پاسخگویی آزمودنی‌ها و ویژگیهای تشخیص متفاوت افراد و تاثیر این ویژگیها

^۱ . Sugarman

^۲ . Anderson

وفاداری و صداقت پاسخ‌دهندگان در انتخاب گزینه‌ها و به تعبیری نحوه پاسخگویی آنها، از جمله محدودیت‌هایی است که می‌تواند در نتیجه تحقیق اثرگذار. این وضعیت ممکن است ناشی از نگرانی پاسخ‌دهندگان در مشخص شدن اظهارنظر آنها و افشای اسرار آنها باشد یا ناشی از برخی ویژگی‌های فرهنگی جوامع شرقی از جمله بزرگ‌نمایی‌ها و کوچک‌نمایی‌های بدون منطق و صرفاً به خاطر ارتباطات و احساسات باشد.

- خستگی، مشغله کاری و بی‌انگیزه‌گی هنگام پاسخ دادن به سئوالات و تکمیل پرسشنامه
- محدودیت به واسطه اثر متغیرهای مداخله‌گر: محقق امکان کنترل تمامی متغیرهای موثر دیگر را نداشته است و به همین جهت تحقیق با محدودیت حاصل از شرایط اجرای تحقیق همراه است.
- محدودیت به واسطه مشکل کمبود زمان، بالا بودن هزینه، و کمبود امکانات وجود داشته است.
با توجه به نتایج بدست آمده از پژوهش اصلی‌ترین عامل خشونت علیه مردان مشکلات اقتصادی هست؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود این موضوع بصورت جدی با استفاده از سیاستهای کلان اقتصادی به نحوی که اثرات آن در زندگی خانواده‌ها نمود پیدا کند، از طرف دولت اقدامات اساسی انجام شود. تلاش برای بهبود اوضاع اقتصادی خانواده یک امر صرفاً شخصی نبوده و بهبود آن قطعاً مستلزم بهبود زیرساختهای اقتصادی از طرف دولت است.

مشکلات روانی و مسائل رفتاری و مشکلات تربیتی از دیگر علل تشدید خشونت خانوادگی علیه مردان است، بنابراین در این زمینه بهره‌گیری از خدمات مشاوره‌ای متخصصان، بسیار حائز اهمیت است. صدا و سیما به عنوان یک رسانه ملی در خصوص آگاهی‌رسانی و آموزش نقش بسیار حائز اهمیتی دارد؛ اگر چه سیاستهای این رسانه در چند سال اخیر، نوعی بی‌اعتمادی را در بین آحاد جامعه ایجاد کرده است؛ اما بخش آموزش و مشاوره این رسانه همچنان نقش خود را ایفا میکند و میتواند مرجع معتبری برای مراجعه خانواده‌ها به آن باشد.

نکته حائز اهمیت در مدل حاضر، عدم رعایت حقوق زنان و احساسی که زنان نسبت به این موضوع دارند، خود یکی از علل اصلی خشونت خانگی علیه مردان هست. اینجاست که نقش مردان به عنوان مسبب این احساس در زنان و نیز جامعه به عنوان بستر به وجود آمدن آن باید مورد واکاوی بررسی قرار

گیرد. جامعه باید در قوانین و مقررات مربوط به زنان بازنگری کرده و زمینه را برای احقاق حقوق آنان فراهم نماید؛ تا از این رهیافت به رفع این احساس عدم برابری و عدم رعایت دست یافت.

منابع

- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۰). خشونت خانوادگی، زنان کتک خورده. تهران: سالی.
- آشوری، محمد و معظمی، شهلا. (۱۳۸۱). همسرکشی و انگیزه‌های آن در موسسه تحقیقات علوم جزایی و جرح‌شناسی. دانشگاه تهران.
- آقای‌گولی، عباس و آقاخانی، کامران. (۱۳۸۶). بررسی پدیده همسرآزاری در شهر تهران در سال ۱۳۷۹، مجموعه مقالات آسیب‌های اجتماعی ایران. انجمن جامعه‌شناسی ایران. تهران: نشر آگه.
- خیرخواه، سیداحسان. (۱۳۹۱). تجربه زیسته مردان از خشونت خانگی علیه آنان. دانشگاه تهران.
- دزکام، محمود و سوهانیان، محمد. (۱۳۶۷). بررسی اختلال پس از ضربه استرس‌زا در بازماندگان زلزله گیلان. تهران: سالاری‌فر، محمدرضا. (۱۳۸۹). خشونت خانگی علیه زنان بررسی علل و درمان. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- صادقی فسایی، سهیلا. (۱۳۸۹). خشونت‌های خانگی و استراتژی‌های زنان در مواجهه با آن. بررسی مسائل اجتماعی ایران. شماره ۱. صفحه: ۱۴۲-۱۰۷.
- قهراری، شهربانو و بوالهیری، جعفر. (۱۳۸۷). همسرآزاری. چاپ اول، تهران: نشر قطره.
- مرادی، گلمراد و زندی، لیلا، ۱۳۸۶، خشونت‌های خانوادگی و تاثیرات آن بر امنیت در جامعه، نمونه مورد مطالعه شهر سنندج، مجله علوم اجتماعی، شماره ۱۰، صص ۱۲۷-۱۴۸. سالاری‌فر، محمدرضا. (۱۳۸۹). خشونت خانگی علیه زنان. بررسی علل و درمان. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- معلوف، لوئیس. (۱۳۷۶). المنجد فی اللغة، بیروت: دارالمشرق، جلد ۳۳.
- Anderson, M (1997) thinking about women: "sociological perapective ons and gender. University of delwar and bacon.
- Dobash, P. R and Dobash, R. E (1980). Violence Against Wives: A Case Against The Patriarchy, Shepton Mallet: Open Books.
- Costa BM, Kaestle CE, Walker A, Curtis A, Day A, Toumbourou JW, (2015). Longitudinal predictors of domestic violence perpetration and victimization: A systematic review. Aggres Violent Behav. 2015; 24:261-72. doi: 10.1016/j.avb.2015.06.001
- Dobash, P. R and Dobash, R. E (1980). Violence Against Wives: A Case Against The Patriarchy, Shepton Mallet: Open Books.
- Dufort M, Stenbacka M, Gumpert CH. Physical domestic violence exposure is highly associated with suicidal attempts in both women and men. Results from the national public health survey in Sweden. Eur J Public Health. 2015;25(3):413-8. doi: 10.1093/eurpub/cku198 pmid: 25471557
- Edleson, J.L. (1999), Children's witnessing of adult domestic violence, Journal of Interpersonal Violence, 14, 839 - 870.

Puchert, R: Jungnitz, L: Lenz, H. J: Puhe, H: and Walter, W (2004). Violence Against Men: Men's Experiences of Interpersonal Violence in Germany, Results of the Pilot study, Berlin: Federal Ministry for Family Affairs, Senior Citizens, Women and Youth.